

تصحیح کرده‌اند و به بعضی دیگر اشاره خواهیم کرد و تصحیح برخی از اغلاط نیز تنها با مقابله این نسخه خطی و نسخه‌های چاپی میسر نیست.

از معیارالاشعار نسخه‌های خطی ارزشمند دیگری در دست است مثل نسخه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (مکتوب به سال ۷۱۶) و نسخه خطی استانبول (مکتوب به سال ۷۲۰) و نسخه‌های جدیدتری مثل نسخه مجلس (مکتوب به سال ۱۰۵۷) و نسخه دیگر دانشکده ادبیات (قرن ۱۱) و غیره. نخستین اشکال در این تصحیح معیارالاشعار این است که مصححان محترم از همه نسخه‌های موجود استفاده نکرده و تنها به یک نسخه خطی اکتفا نموده‌اند، این کاری عجیب و غیر عادی و نامعقول است و چه دلیلی می‌تواند داشته باشد جز سرسری گرفتن کار تصحیح، آن هم تصحیح اثری ارزشمند چون معیارالاشعار.

اشکال دیگر اینکه مصححان افسست کردن نسخه خطی را به مصلحت خود دیده و هیچ زحمتی برای برگرداندن آن به صورت حروفچینی به خود نداده‌اند و هر جا هم که در کتاب اشکالی بوده و نتوانسته‌اند آن را تصحیح کنند، از آن گذشته‌اند، چنان که گویی اصلاً اشکالی نبوده است. فی‌المثل در صفحه ۳۸ بیتی از سنایی به صورت زیر آمده است:

دست کسی بر نرسد به شاخ هویت تو  
تارگ نحنیت او زبینه و بن بر نکنی

«نحنیت» معنی ندارد اما مصححان تلاشی برای پیدا کردن درست آن نکرده و آن را به همین صورت آورده‌اند و حال آنکه اگر به دیوان سنایی مراجعه می‌کردند می‌دیدند که به صورت نخلیت ضبط شده است. بعلاوه مرحوم دهخدا در لغت‌نامه آن را به صورت «انیت» تصحیح کرده است.

همچنین در صفحه ۳۷ شعری از رودکی به صورت زیر آمده:

ای دل بتیزلش بری  
یا زیر چنگال عقابی

مصراع اول آن ناخواناست ولی مصححان توضیحی نداده‌اند، گویی اشکالی نداشته است. سعید نفیسی در کتاب احوال و اشعار رودکی (ج ۳، ص ۱۰۳۵) مصرع اول این بیت رودکی را به صورت «ای دل سزایش بری» تصحیح کرده است ولی این صحیح نیست زیرا هم از نظر معنی اشکال دارد و هم اینکه خواجه نصیر وزن مصراع اول این بیت را رجز مربع سالم یا مژال می‌داند یعنی مستفعّلن مستفعّلین یا مستفعّلن مستفعّلان و حال آنکه به آن صورت بر وزن مستفعّلن فاعّلن است. به هر حال جهت تصحیح آن از نسخه‌های خطی دیگر

## تصحیح کم عیار معیارالاشعار

تقی وحیدیان کامکار

معیارالاشعار. تصنیف خواجه نصیرالدین طوسی. به اهتمام محمد فشارکی - جمشید مظاهری. اصفهان. سهروردی. ۱۳۶۳. ۹۸ صفحه.

درباره وزن و قافیه شعر فارسی از قدیم کتابهای نسبتاً زیادی نوشته شده اما از میان کتب موجود دو کتاب از همه مهمتر و با ارزشتر است: یکی المعجم فی معاییر اشعارالعجم تألیف شمس قیس رازی که در زمینه وزن و قافیه شعر فارسی و صناعات ادبی است، دیگر معیارالاشعار تألیف خواجه نصیرالدین طوسی که درباره وزن و قافیه شعر فارسی و عرب است. این کتاب از جهتی بر المعجم برتری دارد زیرا مؤلف آن دانشمندی بزرگ است و بسیاری از مسائل را با دید علمی بررسی کرده و نظرش در بسیاری از موارد عالمانه و دقیق است از جمله در تعریف وزن، حروف، مقطع (هجا)، قواعد تقطیع شعر، قواعد قافیه و غیره. این کتاب با ارزش گرچه یک بار در ایران و دوبار در هند به چاپ رسیده اما متأسفانه تا این زمان تصحیح نشده بود (برخلاف المعجم که نخست علامه قزوینی آن را تصحیح کرد و سپس آقای مدرس رضوی)، اخیراً آقایان محمد فشارکی و جمشید مظاهری زحمت تصحیح آن را برعهده گرفته‌اند، ولی دریغ که تصحیح این کتاب «گرانقدر» را سرسری گرفته و با شتابزدگی و بی‌دقتی به این کار پرداخته‌اند.

تصحیح این کتاب (چنانکه مصححان محترم خود در مقدمه آورده‌اند) برمبنای یک نسخه خطی و سه نسخه چاپی است. نسخه خطی مکتوب به سال ۷۰۲ است و گرچه در آن ادعا شده که با نسخه‌ای که بر خواجه خوانده شده مقابله گردیده اما نسخه مغلوپی است. بعضی از اغلاط را مصححان خود

اشکالاتی که در تصحیح این کتاب دیده می‌شود بر سه گونه است. نخست خطاهایی که احتمالاً به یاری نسخه‌های خطی دیگر یا با تفحص و دقت، تصحیح آنها میسر می‌شد. دوم خطاهای ناشی از بی‌دقتی مصححان، زیرا اگر نسخه متن تنها با نسخه چاپی تهران (چاپ ۱۳۲۰ هجری قمری) به دقت مقابله شود این گونه خطاها تصحیح می‌گردد. سوم اشتباهاتی که از مصححان در کار تصحیح کتاب سر زده است.

اینک برخی از خطاهایی که در تصحیح این کتاب دیده می‌شود:

در صفحه ۱۲ (سطر ۱۰، ستون ۲) کلمه «بیت» غلط و درست آن «مصراع» است، زیرا در دایره عروضی مصراع هست نه بیت و مثالهای کتاب مثل «بگو دل من کجا طلبم زبهر خدا» مصراع است نه بیت. همین اشکال در صفحه ۱۳ (سطرهای ۴ و ۹، ستون ۱) و صفحه ۱۴ (سطر ۲۰، ستون ۱) و صفحه ۱۵ (سطر ۱۶، ستون ۲) نیز دیده می‌شود.

در صفحه ۱۹ (سطر ۸، ستون ۱) «والا در آخر متفاعلن نیفتد» غلط است و درست آن در نسخه چاپی تهران آمده است، یعنی «و آن الا در آخر متفاعلن نیفتد»، زیرا به صورتی که در نسخه خطی آمده بی‌معنی است؛ بعلاوه «مجزومرفل» در متفاعلن رخ می‌دهد.

در صفحه ۲۳ (سطر ۱۹، ستون ۱) «مانع خلط» غلط است و درست آن «مانع دیگر خلط» است که در نسخه چاپی تهران آمده، زیرا از نظر خواجه دو چیز مانع خلط وقوع يك ساکن و دو ساکن در اواخر مصراعهاست.

در صفحه ۲۳ (سطر ۸، ستون ۲) «رکن جزو آخر از رکن آخر» غلط و بی‌معنی است و درست آن به صورتی است که در نسخه چاپ تهران آمده یعنی «اگر جزو آخر از رکن آخر». می‌بینیم که مصححان علاوه بر آنکه از نسخه‌های خطی موجود دیگر استفاده نکرده‌اند، در مقابله تنها نسخه خطی با نسخه چاپی نیز بسیار بی‌دقتی کرده‌اند و اینکه در مقدمه آورده‌اند که «تصحیحات حاصل مقابله دقیق متن با نسخ مذکور [چاپی] است» ادعایی بیش نیست.

در صفحه ۲۸ (سطر ۹، ستون ۲) این بیت عربی آمده است:

للفتی عقل یعیش به  
 حیث یهدی ساقه قدمه

در این بیت «یهدی» غلط است و درست آن به صورت «تهدی» است زیرا فاعل فعل (ساق) مؤنث است. در نسخه چاپی تهران «تهتدی» آمده که آن نیز چون از باب افتعال

می‌باید یاری جست. ناگفته نماند که ممکن است در مواردی با همه تلاش و دقت، تصحیح میسر نشود ولی مصحح باید متذکر گردد که تصحیح ممکن نشد.

افست کردن نسخه خطی اشکالات فراوانی برای خوانندگان ایجاد کرده است از جمله آشنا نبودن بعضی با املاي برخی حروف و کلمات در قدیم، همچنین بعضی ویژگیهای دیگر مثل قراردادن نقطه اضافی در بالای حروف و افتادگی برخی از حروف و نقطه‌ها، و خط خوردگی و ناخوانا بودن بعضی کلمات و مشخص نبودن عنوانها و درهم آمیختن اشعار با متن کتاب و غیره.

مهمتر از همه اینکه مصححان با افست کردن نسخه خطی نتوانسته‌اند در ذیل هر صفحه اختلاف نسخه بدلها (سه نسخه چاپی) را ارائه دهند (در پایان کتاب نیز اختلاف تك تك نسخه بدلها را نیآورده‌اند). در چاپ هم، هر دو صفحه از کتاب اصلی را در يك صفحه چاپ کرده‌اند و به هر صفحه چاپی يك شماره داده‌اند! شاید مصححان بگویند غرض این بوده که عکس نسخه خطی را در اختیار خوانندگان قرار دهند، اما این درست نیست، زیرا کسانی که این کار را می‌کنند از هر گونه «تصحیح» هم چشم می‌پوشند، و این کار معمولاً در مورد کتابهایی صورت می‌گیرد که نسخ خطی معدودی (و احیاناً يك نسخه) از آنها وجود دارد و ناشر هم در خود صلاحیت این را نمی‌بیند که به تصحیح نسخه اقدام کند. اگر هم خواسته باشند که نمونه‌ای از نسخه اصل را به خواننده نشان دهند می‌توانستند به آوردن عکس چند صفحه از آن اکتفا کنند، مانند کاری که علاقه قزوینی در تصحیح المعجم کرده است. به هر حال، معلوم نیست که غرض «مصححان» چاپ عکسی نسخه‌ای از معیارالاشعار بوده یا تصحیح انتقادی آن، و این کار دلیلی جز سهل‌انگاری و آسان گرفتن کارهای بزرگ نمی‌تواند داشته باشد.

کارهایی که مصححان در تصحیح این کتاب کرده‌اند عبارت است از تصحیح برخی از غلطهای نسخه خطی در سه صفحه که البته این تصحیحات (چنانکه خواهد آمد) مصون از خطا نیست. همچنین آوردن فهرست «صدور» و «قوافی» ابیات و فهرستی از «مصطلحات» و اعلام کتاب که به اینها نیز اشکالی وارد است و خواهیم گفت.

است درست نیست.  
در صفحه ۳۴ (سطر ۵، ستون ۱) شعری از رودکی به این صورت آمده است:

دل آزاد کن از درد و تن آزاد کن از رنج  
جام آورو زود آور و نرد آور و شطرنج  
روشن است که کلمه «زود» غلط و درست آن «رود» است که  
اسم سازی است. البته در نسخه چاپ تهران نیز «زود» است.<sup>۱</sup>  
مصححان در صفحه ۷۴ در مورد بیت فوق نوشته‌اند:  
«احتمالاً در آغاز مصراع دوم این بیت واو عطفی بوده که  
ساقط شده و مصراع وزنی دیگر یافته و عروضیان آن را  
قاعده‌ای کرده‌اند»

احتمال مصححان درست نیست، چه قاعده حذف يك هجا  
از آغاز مصراع از روی این بیت ساخته نشده و در قدیم بوده  
و به قول عروض دانای از قرن چهارم به بعد این قاعده متروک  
شده<sup>۲</sup>، بعلاوه ابیاتی دیگر نیز بجا مانده که هجای اول آنها  
حذف شده مثل این بیت رودکی:

می آرد شرف و مردمی پدید  
و آزاده نژاد از درم خرید

یا این بیت رودکی که خواجه نصیر به حذف هجای اول  
مصراع دوم آن اشاره کرده و آن را طبق قاعده قدیم دانسته  
(ص ۴۷ معیارالاشعار، ستون ۲)

جوانی گسست و چیره زبانی  
طبعم گرفت نیز گرانی  
و یا این شعر فرخی:

بیارای بت کشمیر شراب کهن پیر  
بده پرو تهی گیر که مان وقت نبرد است  
زان باده که زرد است و نزارست و لیکن

نه از عشق نزارست و نه از محنت زرد است  
که از اول مصراع سوم آن طبق قاعده، يك هجا حذف شده  
است. به هر حال در قدیم حذف و افزودن يك هجا در آغاز  
مصراع طبق قاعده مجاز بوده است.

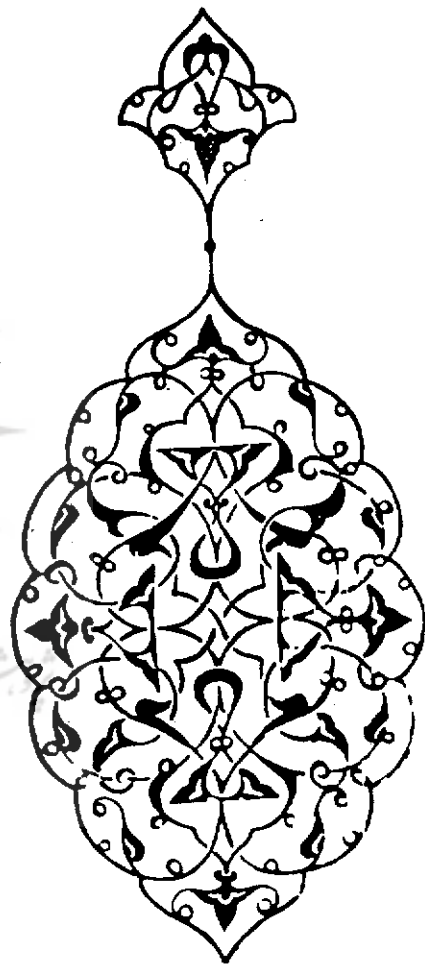
در همین صفحه ۳۴ (سطر ۱۵، ستون ۱) در بیت:

ای کودک جادووش وی فتنه اهرمن

شکر لب و دیبا رخ و سنگین دل و سیمین تن  
کلمه اهرمن غلط و درست آن «اهرمین» است که در نسخه  
چاپ تهران آمده است.

در همین صفحه ۳۴ (سطر ۱۵، ستون ۲) بیتی به صورت  
زیر آمده:

تا کی بود ای کودک سنگین دل  
جور تو براین عاشق بی



و پیداست که دو هجا از پایان مصراع دوم حذف شده. در نسخه چاپی تهران درست آن به صورت «... عاشق بی سامان» آمده است.

در صفحه ۲۸ بیتی عربی به صورت زیر دیده می شود:

قالت الخنساء لما جيتها

شاب راسی بعد هذا و اشتهب

این بیت از امرؤالقیس است و مصراع دوم آن به این صورت است: «شاب بعدی راس هذا و اشتهب». درست کلمه جیتها نیز «جنتها» است (در نسخه چاپی تهران «شاب بعدی راس هذا فاشتعل» ضبط شده که فاشتعل غلط است).

در صفحه ۴۱ (سطر ۱۰، ستون ۲) «به چمن برآی روزی» به صورت «به چمن در آی روزی» صحیح است که در نسخه چاپ تهران می بینیم.

در همین صفحه بیتی عربی به این صورت آمده:

قالت ولم يقصد لقليل الحنا

مهلاً فقد بلغت اسماعی

اولاً «لم يقصد» درست نیست و صحیح آن «لم تقصد» است زیرا باید مؤنث باشد (در نسخه های چاپی تهران نیز چنین است). ثانیاً «بلغت» نیز غلط است و باید «ابلغت» باشد هم از نظر معنی و هم از نظر وزن شعر. در نسخه چاپی تهران «ابلغت باسماعی» آمده که آن نیز صحیح نیست و با وزن شعر نیز مغایرت دارد زیرا مصراع دوم شعر در وزن سریع اصلم یعنی مستغفلن مستغفلن فعلن است.

در صفحه ۴۲ (سطر ۱، ستون ۱) «اطراف الاف» غلط و درست آن «اطراف الالف» است که در نسخه چاپی آمده. در صفحه ۴۶ بیت:

ياران من جوان و رفیقان من جوان

اندوه تو بکرد مرا ای نگار پیر

بر وزن مفعولن علاتن چهار بار دانسته شده در صورتی که بر وزن مفعول فاعلاتن که در نسخه چاپی آمده درست است. می بینیم که مصححان محترم نه تنها از نسخه های خطی ارزنده موجود تنها به یکی اکتفا کرده اند (و در نتیجه تصحیح کتاب دچار اشکالاتی گشته) بلکه (چنانکه گفتیم) در مقابله همین نسخه با نسخه چاپی تهران نیز هرگز دقت نکرده اند و حتی به خود زحمت نداده اند که اشعار را خوب بخوانند تا دریابند که شعر فوق بر وزن مفعولن علاتن نمی تواند باشد. در تصحیح بقیه کتاب نیز اشکالاتی ازین قبیل هست اما برای پرهیز از اطاله کلام از ذکر آنها صرف نظر می شود. مصححان علاوه بر تصحیح، فهرست ابیات کتاب را نیز تهیه و اصطلاحات آن را استخراج کرده اند اما این دو نیز

خالی از اشکال نیست. فی المثل در فهرست ابیات، برخی از بیتها از قلم افتاده است، از جمله تنها در صفحه ۴۶ کتاب چهار شعر هست که در فهرست «صدر ابیات» نیامده است. سطر ۱۹، ستون ۱:

چه کردم بتا نگویی

که بر من چنین به کینی

سطر ۵، ستون ۲: دل از یار سنگدل بگسل

سطر ۶، ستون ۲: به نامردمی چرا کوشی

سطر ۷، ستون ۲: ازیرا چنین گزیدم یار

از صفحه ۴۷، (سطر ۷، ستون ۱) این شعر در فهرست

نیامده است:

از کار رفته هیچ میندیش

وز نامده هنوز مکن یاد

از صفحه ۴۸ (سطر ۱۳، ستون ۲) این بیت در فهرست

نیست:

منم زیار به حسرت

منم ز عشق به جور

از صفحه ۴۹ (سطر ۶، ستون ۲) این بیت:

بیالا نگارا چو آزاد سروی

ولکن به رخسار مانند گلنار

در نسخه خطی «گلنار» به صورت «گلنا» است و تصحیح هم نشده. بقیه کتاب را نیز براین می توان قیاس کرد. ضمناً خود عنوان «فهرست صدر ابیات» نیز خالی از اشکال نیست زیرا همان طور که خواجه نصیر در صفحه ۱۶ کتاب گفته رکن اول از مصراع اول را «صدر» خوانند و حال آنکه مصححان جز به ندرت، رکن اول (صدر) را در فهرست نیاورده اند (و البته ضرورتی هم نداشته است).

به عنوان «فهرست قوافی و اعجاز» ابیات نیز همین ایراد هست، فی المثل بیت:

آگه شوم از بوی خوش بی آنکه گوید کس مرا

گر بگذرد دلخواه من پیش درم شبگیران

آخرین واژه این بیت «شبگیران» است به معنی صبحگاهان و بامدادان اما در فهرست قوافی و اعجاز به صورت «گیران» آمده که جزئی از کلمه است و نه عجز است و نه قافیه. از طرفی لا اقل ابیاتی که در فهرست صدر ابیات از قلم

افتاده ازین فهرست نیز حذف گردیده است. بعلاوه گاه در فهرست اشتباه هم هست، فی‌المثل شعر زیر:

ای دلبر آزاده خو

تا کی عتاب و جنگ تو

که به کلمه «تو» ختم می‌شود در فهرست «اعجاز و قوافی» در حروف «ر» فهرست شده است.

فهرست يك صفحه‌ای اعلام نیز خالی از اشکال نیست از جمله اسم امرؤالقیس شاعر عرب که در صفحه ۵۱ آمده در فهرست نیست. همچنین اسم «خلیل» در صفحات ۲۰ و ۳۸ و «خلیل احمد» در صفحه ۱۱ و «رودکی» در صفحات ۳۴ و ۳۷ کتاب آمده اما در فهرست منظور نشده است.

در گردآوری اصطلاحات یا به قول مصححان «مصطلحات» کتاب نیز متأسفانه اشکالاتی هست از جمله اینکه در فهرست اصطلاحات هر اصطلاح هر چند بار که در کتاب تکرار شده باشد باید شماره صفحه‌اش ذکر شود یا لاقلاً شماره صفحه‌ای که اصطلاح در آنجا معنی شده، اما در این کتاب برای هر اصطلاح فقط از يك تا پنج شماره صفحه آورده شده و نه شماره صفحات همه موارد، فی‌المثل برای اصطلاح «معاقبه» شماره صفحات ۲۷ و ۲۸ و ۳۲ و ۴۸ و ۵۳ ذکر شده اما این اصطلاح در بسیاری از صفحات دیگر کتاب از جمله ۲۶ و ۳۹ به کار رفته ولی در فهرست نیامده. عجیب اینکه معنی اصطلاحی این کلمه در صفحه ۲۶ آمده است. (معنی لغوی این اصطلاح در صفحه ۵۳ آمده که در عروض مورد نظر نیست.)

برای کلمه «اعراج» در فهرست فقط صفحه ۵۳ ذکر شده و حال آنکه در صفحات ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۲ و غیره نیز آمده. از طرفی معنی اصطلاحی این کلمه در صفحه ۲۴ آمده است.

برای اصطلاح «مقصور» در فهرست، صفحات ۱۹ و ۲۰ و ۵۳ آمده ولی این اصطلاح در بسیاری از صفحات دیگر نیز به کار رفته، از جمله معنی عروضی آن در صفحه ۱۸ آمده است.

برای اصطلاح ایقاع در فهرست شماره صفحه ۱۶ ذکر

شده و حال آنکه در این صفحه به کار نرفته بلکه در صفحه ۱ و ۳ دیده می‌شود. به هر حال از این نوع اشکالات کم نیست.

اشکال دیگر اینکه برخی از اصطلاحاتی که در کتاب به کار رفته در فهرست اصطلاحات دیده نمی‌شود، مثل بحر (صفحه ۸ و بسیاری صفحات دیگر). اجزاء (صفحات ۸ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۹....)، اشمام (صفحه ۴۷)، ترجیع (صفحه ۲۳)، شکل (صفحه ۳۹)، ملمع (صفحه ۳۱)، محرك (صفحه ۲۲)، مثلثات (صفحه ۴۶) و غیره.

اشکال دیگر اینکه بعضی از آنچه به عنوان اصطلاح آمده اصطلاح نیست فی‌المثل «اختلاف توجیه» و «اختلاف حذو» (که اصطلاح آن اقواء نام دارد) همچنین «اختلاف حرف روی» (که اصطلاح آن اکفاء نام دارد) و «اختلاف ردف» (که اصطلاح آن سناد است). عجیب‌تر اینکه «علم اقسام و انواع شعر» و چیزهایی از این قبیل اصطلاح تصور شده است و همچنین «طویل و مدید و بسیط» يك اصطلاح دانسته شده است. اصولاً گردآوری اصطلاحات بر مبنای ضابطه‌ای نیست فی‌المثل بعضی از اصطلاحات هم به صورت مفرد آمده و هم جمع، مثل قافیه و قوافی، رباعی و رباعیات، ایقاع و ایقاعات، و بعضی فقط به صورت مفرد، مثل سبب و وتد، و حال آنکه جمع آنها یعنی اسباب و اوتاد نیز به کار رفته (صفحه ۹). بعضی نیز فقط به صورت جمع آمده است، مثل ارکان که مفردش رکن در صفحه ۹ به کار رفته. اصطلاح «جادوزاده» به صورت «جادوراه» تصحیح شده اما در فهرست اصطلاحات به همان صورت غلط جادوزاده آمده است

به هر حال این تصحیح با این همه اشکال و سهل‌انگاری و بی‌دقتی که برخی از آنها بر شمرده شد نه در خور کتاب ارزنده معیارالشعار خواجه نصیر است و نه شایسته مصححان محترم و کتاب نیاز به تصحیحی مجدد دارد.

(۱) در موارد دیگر، تصحیحات نقطه‌ای را انجام داده‌اند: آتش، آتش‌یازدگر، باردگر، خط، حظ و...

(۲) نائل خانلری، برویز، وزن شعر فارسی، ۱۳۳۷، ص ۲۱۵.

(۳) عجز آخر کلمه از بیت است (رک: کشف اصطلاحات فنون). و قافیه نیز کلمات مشابه آخر ابیات است (رک: معیارالشعار، ص ۵۵).

